

همه آنچه که درباره عملیات ترکیه « سرچشمه صلح » از شما پنهان می کنند (1/3)

تبارشناسی مسئله گُرد

تی یری میسان

جامعه بین الملل متفق القول به شکل پی در پی حمله نظامی به روژاوا را محکوم می کنند و در فقدان قدرت شاهد فرار ده ها هزار گُرد از مقابل ارتش ترکیه هستند. با وجود این هیچکس مداخله نمی کند، با توجه به این امر که شاید کشتار یگانه راه حل ممکن برای برقراری صلح باشد، به دلیل وضعیت پیچیده ای که فرانسه به وجود آورده و به همین گونه به دلیل ارتکاب به جنایت علیه بشریت از سوی مبارزان و غیر نظامیان گُرد.

شبکه ولتر | دمشق (سوریه) | 12 اکتبر 2019



ده ها هزار غیر نظامی گُرد خاکی را که تصرف کرده و امیدوار بودند آن را به میهن خود تبدیل کنند رها کرده و از مقابل ارتش ترکیه می گریزند.

همه جنگها مستلزم فرآیند ساده سازی هستند : دو جبهه در صحنه نبرد حضور دارند و هر یک باید جبهه خودش را انتخاب کند. در خاور میانه، جایی که به شکل باور نگرانی انبوهی از گروه ها و ایدئولوژیهای مختلف دیده می شود، این فرآیند به شکل خاصی هولناک است زیرا تقسیم بندی صفحه شطرنج به دو گروه اجازه نمی دهد که تعدد جبهه ها و ایدئولوژیها را ببینیم. علاوه بر این، گاهی گروهی در اتحاد با گروه دیگری قرار می گیرد در حالی که از دیدگاه ایدئولوژیک همخوان نیستند، برای نمونه، جمهوری اسلامی ایران متحد سوریه لائیک است.

وقتی جنگی به پایان خود می رسد، هر یک سعی در پاک کردن آثار جرمی دارند که خواسته یا ناخواسته مرتکب شده اند و گاهی هم پیمانان دست و پا گیری را که می خواهند فراموش کنند از بین می برند. در نتیجه بسیاری سعی می کنند گذشته را بر اساس نقش خوبی که می خواهند از خود به نمایش بگذارند بازسازی می کنند. این موضوع دقیقاً همان چیزی است که ما در عملیات نظامی ترکیه « سرچشمه صلح » در مرز سوریه شاهد آن هستیم که به واکنش های ناباورانه ای نیز انجامیده است. برای درک رویدادی که در شرف وقوع است، کافی نیست بدانیم که همه دروغ می گویند. بلکه آن چیزی را که هر یک پنهان می کنند باید کشف کنیم و آن را بپذیریم حتا وقتی که کشف می کنیم که آنانی که تا کنون ستایش می کردیم در واقع بدکاره بوده اند.

تبار شناسی مسئله

اگر به ارتباطات اروپائیه باور داشته باشیم، می توانیم فکر می کنیم که ترکهای بدجنس می خواهند گردهای خوب را قتل عام کنند که فاضلان اروپائی با وجود بی اعتنائی ایالات متحده در صدد نجات آنان برآمده اند. ولی هیچ یک از این چهار قدرت آن نقشی را که به آنها نسبت می دهند بازی نمی کنند.

ابتدا بایسته است که وضعیت رویدادهای کنونی را در زمینه عمومی « جنگ علیه سوریه » مشخص کنیم که فقط نبردی است در متن کلی « بازسازی خاورمیانه بزرگ » بگونه ای که جنگ سوریه فقط یکی از مراحل آن را تشکیل می دهد. به مناسبت سوء قصد 11 سپتامبر 2001، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا دونالد رامسفلد (Donald Rumsfeld) و مدیر جدید او برای «تغییرات نیرو» در یاسالار آرتور سبرووسکی (Arthure Cebrowski) استراتژی پنتاگون را با سرمایه داری مالی تطبیق دادند. تصمیم آنان بر این اساس بود که جهان را به دو منطقه تقسیم کنند : یکی جهان اقتصاد جهانی و دیگری فقط در جایگاه ذخیره مواد اولیه. ارتش ایالات متحده آمریکا مأموریت خواهد داشت که ساختارهای دولتی در این دومین بخش از جهان را حذف کند تا هیچ نیروئی نتواند در مقابل این تقسیم کار جدید پایداری کند¹. ارتش ایالات متحده آمریکا این طرح را ابتدا در «خاورمیانه بزرگ» به اجرا گذاشت.

¹ این استراتژی برای نخستین بار از سوی سرهنگ رالف پیترز (Ralph Peters) در مجله ارتش نیروی زمینی ایالات متحده (Stability, Parameteers 31-4, «America's Enemy»)، زمستان 2001 مطرح شد. سپس به شکل روشنتری برای عموم از سوی معاون دریا سالار سبرووسکی در The Pentagon's New Map, Thomas P. M. Barnett, Putnam Publishing Group, 2004. سرانجام سرهنگ پیترز نقشه جغرافیائی را که مرکز فرماندهی ایالات متحده آمریکا در «Blood borders - How a better Middle East would look» تهیه کرده بود منتشر کرد، سرهنگ رالف پیترز، Armed Forces Journal, June 2006

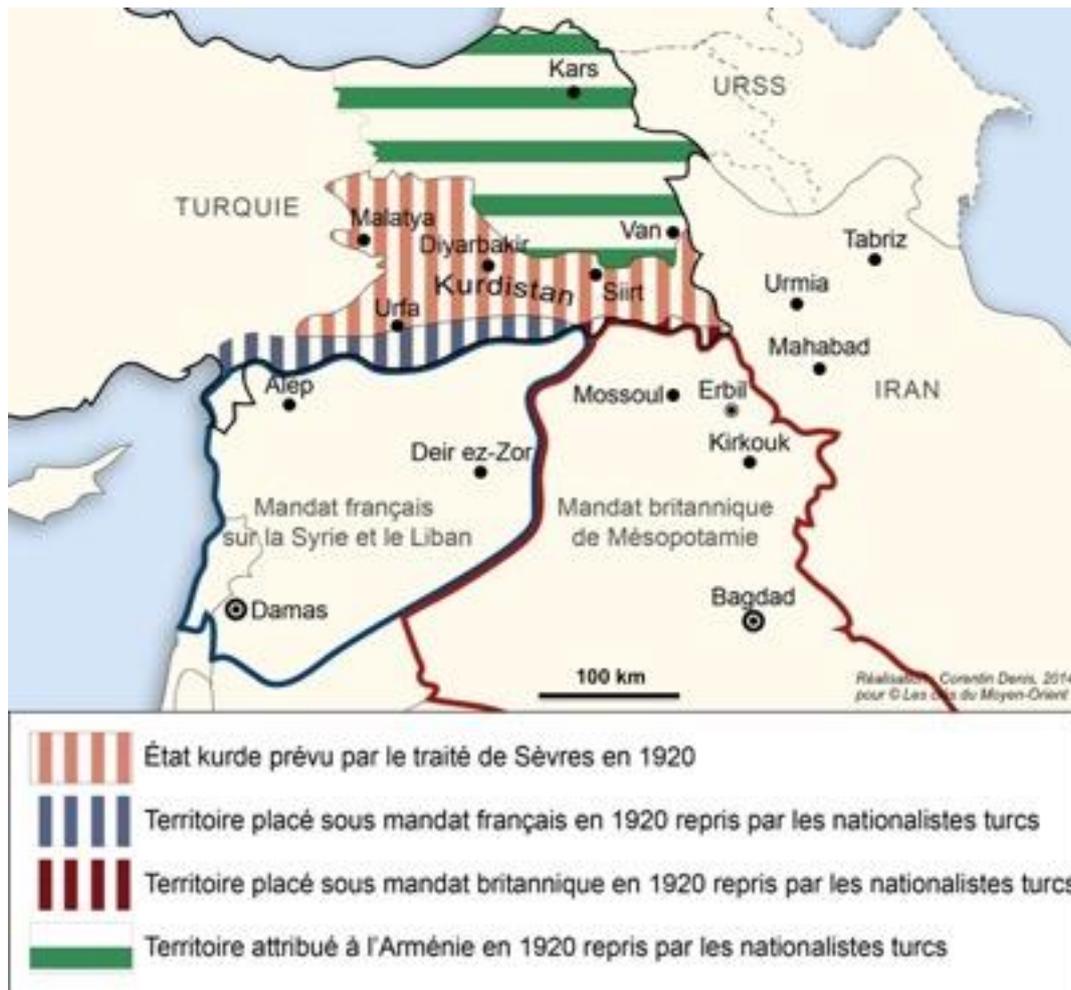
پیشبینی شده بود که پس از افغانستان و عراق، جمهوری عرب سوریه در سال 2003 تخریب شود (Syrian Accountability Act)، ولی رویدادهای مختلف این عملیات را به سال 2011 موکول کرد. طرح حمله با در نظر گرفتن تجربه استعمار بریتانیایی در این منطقه سازماندهی شده بود. لندن توصیه کرده بود که دولت‌ها را کاملاً از بین نبرند و دولت حداقلی در عراق باقی بگذارند و به همین گونه دولت‌های دست‌نشانده را برای اداره زندگی روزمره مردم حفظ کنند. با نمونه برداری از «شورش بزرگ عرب» در دوران لورانس عربی که در سال 1915 سازماندهی کردند، باید «بهار عرب» به راه می‌انداختند و قدرت را به گروه اخوان المسلمین واگذار می‌کردند و نه به گروه وهابی‌ها.² ابتدا رژیم‌های طرفدار غرب را سرنگون کردند، تونس و مصر، سپس به لیبی و سوریه حمله کردند.

ابتدا، ترکیه عضو ناتو از جنگ علیه لیبی که نخستین مشتری او بود امتناع کرد و علیه سوریه نیز وارد جنگ نشد زیرا با این کشور بازار مشترک ایجاد کرده بود. وزیر امور خارجه فرانسه آلن ژوپه طرحی به ذهنش رسیده بود و می‌خواست با یک سنگ دو نشان را بزند. او به همکار ترک خود احمد داووداوغلو پیشنهاد کرد که به ازای ورود ترکیه به جنگ علیه لیبی و سوریه بطور کلی مسئله کُرد را حل کند. هر دو به شکل سری منشوری را امضا کردند که در آن ایجاد کردستان پیشبینی شده بود ولی نه در سرزمین‌های کردنشین ترکیه بلکه در سرزمین‌های آرامی و عرب سوریه.³ ترکیه که مناسبات خیلی خوبی با دولت اقلیمی کردستان عراق دارد، می‌خواست کردستان دومی نیز ایجاد کند تا بر این اساس به جریان استقلال طلب کُرد در خاک خودش خاتمه دهد. فرانسه که در سال 1911 طایفه‌های کُرد را برای سرکوب ناسیونالیست‌های عرب به خدمت گرفته بود، می‌خواست یک کردستان تابع خودش در منطقه ایجاد کند همانگونه که بریتانیایی‌ها موفق شده بودند اشغالگر یهودی در فلسطین به وجود بیاورند. فرانسوی‌ها و ترک‌ها پشتیبانی اسرائیلی‌ها را بدست آوردند که پیشتر کردستان عراق را با طایفه بارزانی که رسماً عضو موساد بود کنترل می‌کردند.

² شمار بسیاری پرونده از سال 2005 موجود است و تدارک این عملیات از سوی ام‌آی 6 را تصدیق می‌کند. به ویژه ایمیل‌های Foreign Office که از سوی هشدار دهنده‌ای به نام دریک پاسکیل Derek Pasquill آشکار شد. بخوانید:

[Sous nos yeux. Du 11-Septembre à Donald Trump](#), Thierry Meyssan, Demi-Lune (2017).

³ در آن دوران نشریات الجزایری وجود چنین منشوری را افشا کردند. دیپلمات‌های سوریه به دقت برای من توضیح دادند. متأسفانه آرشیوی که در دمشق بود به دلیل حمله جهاد طلبان منتقل شد. در نتیجه در حال حاضر قابل دسترسی نیست، ولی آرشیوها جدا اسزی شوند دوباره در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.



رنگ قهوه ای روشن : کردستان ترسیم شده توسط کمیسیون کینگ کرین (Comission King-Crane)، رئیس جمهور آمریکا وودرو ویلسون آن در سال 1920 تأیید و در کنفرانس سور Sèvres به تصویب رسید.
 توضیح رنگها : آبی روشن قطعه ای که زیر قیومیت فرانسه در سال 1920 قرار داشت و ترکها آن را پس گرفتند.
 قهوه ای : قطعه ای که زیر قیومیت بریتانیا در سال 1920 بود و ناسیونالیستهای ترک آن را پس گرفتند
 سبز : قطعه ای که در سال 1920 به ارمنستان واگذار شده بود که ترکهای ناسیونالیست آن را پس گرفتند

گُردها مردمان کوچ نشین هستند (این مفهوم دقیق «گُرد» است) که در دره فرات در عراق، در سوریه و در ترکیه کنونی جابجا می شدند. گُردها نه به شکل قبیله ای بلکه به شکل طایفه ای سازمان یافته اند و برای شجاعتشان شهرت دارند، چندین سلسله در جهان عرب و ایرانی به وجود آوردند و فرمانروایی کردند (از جمله صلاح الدین) و به عنوان خدمه مکمل در ارتشهای مختلف خدمت کرده اند. در آغاز قرن بیستم، برخی از آنان در ارتش عثمانی برای کشتار مردم غیر مسلمان ترکیه به ویژه برای قتل عام ارامنه به خدمت گرفته شدند. به همین مناسبت برخی از آنان در آناتولی شهر نشین شدند در حالی که دیگران کوچ نشین باقی ماندند. در پایان نخستین جنگ جهانی، رئیس جمهور ایالات متحده وودرو ویلسون با بکار بستن پاراگراف 12 از 14 نقطه (اهداف جنگ) یک کردستان روی ویرانه های امپراتوری عثمانی به وجود آورد. برای تعیین سرحدات، ویلسون کمیسیون کینگ کرین را به محل فرستاد، در این دوران گُردها قتل عام ارامنه را ادامه می دادند. کارشناسان منطقه ای را در آناتولی تعیین کردند و به ویلسون در مورد نتایج ویرانگر گسترش بیشتر یا جابجائی این منطقه هشدار دادند. ولی امپراتوری عثمانی

بدست مصطفی کمال از داخل سرنگون و جمهوری اعلام کرده بود و از دست دادن بخشی از سرزمینی که طرح ویلسون تحمیل کرده بود مورد قبول او واقع نشد. بطور مشخص، آفتاب کردستان طلوع نکرد.

در کوران یک قرن، کردهای ترکیه سعی کردند در ترکیه شکاف به وجود بیاورند. در سالهای 80، مارکسیست-لنینیستهای حزب کارگران کردستان PKK یک جنگ داخلی واقعی علیه آنکارا براه انداختند که شدیداً سرکوب شد. بسیاری از شورشیان کُرد به پشتیبانی رئیس جمهور حافظ اسد به شمال سوریه پناهنده شدند. وقتی رهبرشان عبدالله اوجالان بدست مأموران اسرائیلی بازداشت و سپس به ترکیه تحویل داده شد، مبارزه مسلحانه را متوقف کردند. در پایان جنگ سرد، حزب کارگران کردستان که از این پس از سوی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی تأمین مالی نمی شد، به مکانی برای نفوذ سازمان سیا تبدیل شد و تحول یافت. حزب کارگران کردستان نظریه مارکسیسم را رها کرد و به آنارشیسم روی آورد، و در عین حال از مبارزه علیه امپریالیسم صرفنظر کرد و کاملاً بر عکس به خدمت ناتو درآمد. پیمان آتلانتیک به شکل گسترده از عملیات تروریستی کُردها برای مهار حرکات رانشی ترکیه که یکی از اعضای خودش می باشد استفاده کرد.

علاوه بر این، در سال 1991 جامعه بین الملل علیه عراق که کویت را تصرف کرده بود اعلام جنگ کرد. در پایان این جنگ، غربی ها مخالفان شیعه و کُرد را به شورش علیه رژیم سنی رئیس جمهور عراق صدام حسین تشویق کردند. و بر این اساس، ایالات متحده آمریکا و بریتانیا موجب مرگ 200000 نفر شدند، ولی منطقه ای از کشور را اشغال نموده و ورود ارتش عراق را بدانجا ممنوع اعلام کردند. مردم ساکن آنجا را بیرون راندند و گروه های کُرد عراقی را جایگزین کردند. همین منطقه بود که پس از جنگ 2003 به عراق بازگردانده و تبدیل شد به کردستان عراق پیرامون طایفه بارزانی.



نقشه مرکز فرماندهی طراحی شده توسط رامسفلد/سپرووسکی برای «تشکیل مجدد خاومیانة بزرگ».

Source : "Blood borders - How a better Middle East would look", Colonel Ralph Peters, Armed Forces Journal, June 2006.

در آغاز جنگ علیه سوریه، رئیس جمهور سوریه بشار اسد به پناهندگان سیاسی گُرد و فرزندانشان ملیت سوری اهداء کرد. آنان نیز فوراً برای دفاع از شمال کشور در مقابله با جهاد طلبان خارجی به خدمت دمشق درآمدند. ولی ناتو حزب کارگران کردستان ترکیه را بیدار کرد و آنان را برای بسیج کردهای سوریه و عراق به هدف ایجاد کردستان بزرگ گسیل کرد، یعنی به همان شکلی که پنتاگون از سال 2001 پیشبینی کرده بود و با نقشه جغرافیائی از سوی مرکز فرماندهی به ثبت رسیده و سرهنگ رالف پیترز آن را در سال 2005 منتشر کرده بود.



نقشه جغرافیایی «تغییر شکل خاورمیانه بزرگ» تصحیح شده پس از شکست نخستین جنگ علیه سوریه.

Source : "Imagining a Remapped Middle East", Robin Wright, *The New York Times Sunday Review*, September 28, 2013.

این طرح (به هدف تجزیه منطقه بر اساس قومیت ها) با طرح رئیس جمهور ویلسون در سال 1919 به هیچ وجه تطبیق نمی کرد (که حقوق خلق گرد را به رسمیت می شناخت)، با طرح فرانسوی ها نیز تطبیق نمی کرد (پاداشی برای مزدوران مسلح). این طرح برای آنان خیلی وسیع بود و امیدی به کنترل آن نداشتند. ولی اسرائیلی ها را می فریفتند تا بدین وسیله سوریه را از پشت کنترل کنند. با وجود این برایشان آشکار شد که تحقق چنین طرحی امکان پذیر نیست. USIP یک انستیتو «پنج چشم» وابسته به پنتاگون برای تغییر آن پیشنهاد داد. کردستان بزرگ به نفع ایجاد استان سنی عراق تنزل خواهد یافت⁴ و به یک سازمان جهاد طلب واگذار خواهد شد : یعنی داعش آینده.

گردهای یگان های مدافع خلق گرد YPG شاخه سوری در حزب کارگران کردستان PKK سعی کردند به کمک نیروهای آمریکائی در روزاوا دولت نوینی به وجود بیاورند. پنتاگون از آنها برای مهار جهاد طلبان در منطقه ای که به آنها اختصاص داده شده بود استفاده کردند. بین یگانهای مدافع خلق گرد و داعش هرگز اختلاف خدا شناسانه یا ایدئولوژیک روی نداده است. آنها فقط برای تقسیم منطقه روی ویرانه های عراق و سوریه با هم در رقابت بوده اند. از سوی دیگر وقتی امارات داعش فروپاشید، یگان های مدافع خلق گرد

⁴ [Imagining a Remapped Middle East](#)", Robin Wright, *The New York Times Sunday Review*, September 28, 2013.

به جهاد طلبان کمک کردند که با عبور از «کردستان» آنان به نیروهای القاعده در ادلب بپیوندند.

کردهای عراقی طایفه بارزانی به سهم خودشان مستقیماً با داعش در فتح عراق شرکت کردند. به گفته حزب کارگران کردستان PKK پسر رئیس و فرمانده اطلاعاتی دولت اقلیم کرد عراق، منصور بارزانی در گردهمایی سرّی سازمان سیا در عمان 1 ژوئن 2014 شرکت داشت و این عملیات را طرح ریزی کرد.⁵ بارزانی ها علیه داعش جنگیدند و فقط به حفظ رعایت احترام به مرزهایشان بسنده کردند و آنها را برای رویارویی علیه سنی ها فرستادند.

فاجعه بار تر از همه این است که [بارزانی ها] داعشی ها را کردند تا کردهای غیر مسلمان، یزدانیان را در نبرد سنگال به بردگی بکشند. آنانی که نجات یافتند، با مداخله حزب کارگران کردستان ترکیه و یگانهای مدافع خلق کردستان سوری بود که به محل واقعه به فوریت فرستاده شده بودند.

27 نوامبر 2017، بارزانی ها - با یگانه پشتیبانی از سوی اسرائیل - فرماندوم خودمختاری کردستان عراق را سازماندهی کرد که با وجود تقلب آشکار آن را باختند. جهان عرب در شب رأی با شگفتی موج عظیمی از پرچم های اسرائیل را در اربیل مشاهده کردند. به گزارش مجله اسرائیل-گرد، نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتانیا هو متعهد شده بود 200000 گرد اسرائیلی را منتقل کند تا در صورت پیروزی فرماندوم از دولت جدید پشتیبانی کنند.

برای بهره مندی از حق خودمختاری، بیش از همه می بایستی ملت متحدی وجود داشته باشد، یعنی ساز و کاری که هرگز برای کردها وجود نداشته است. سپس باید در سرزمینی سکونت داشته باشد که در آنجا در اکثریت باشد، این شرط نیز برای کردها در آناتولی از دوران قتل عام ارمنیان وجود نداشته، به همین گونه در شمال عراق از دوران پاکسازی قومی در منطقه پرواز ممنوع در دوران پسا « طوفان صحرا »، و سرانجام در شمال شرقی سوریه از وقتی که آشوری های مسیحی و عرب ها را بیرون راندند. امروز به رسمیت شناختن چنین حقوقی [برای خود مختاری کردستان] به معنای تأیید جنایت علیه بشریت است.

ترجمه حمید محوی
پاریس، 17 اکتبر 2019

لینک متن اصلی در شبکه ولتر :

<https://www.voltairenet.org/article207881.html>

⁵ « Yer : Amman, Tarih : 1, Konu : Musul », Akif Serhat, *Özgür Gündem*, 6 juillet 2014